

تلاشی در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس ✓
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه ✓
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی ✓
- دانلود نمونه سوالات امتحانی ✓
- مشاوره کنکور ✓
- فیلم های انگیزشی ✓

سی
های

نگارش ۱

پروردگار پرورش موضوع

کارگاه نوشن

۱۹

۱- پرسش‌های زیر را بخوانید و مشخص کنید از چه شگردی (بارش فکری، اگر نویسی، گزین گفته‌ها و ...) برای طرح آنها استفاده شده است؟

پرسش‌ها:

- پشه، چه نوع جانوری است؟ بارش فکری

- چند نوع پشه داریم؟ بارش فکری

- پشه‌ها شب‌ها کجا می‌خوابند؟ بارش فکری

- چرا پشه روی بدن ما می‌نشینند؟ بارش فکری

- پشه‌های معروف کدام‌اند؟ بارش فکری

- آیا مگس‌هم یک نوع پشه است؟ بارش فکری

- اگر پشه وز وزنی کرد، چه می‌شد؟ اگر نویسی

- آیا پشه‌ای می‌شناسیم که اصلاً دیده نمی‌شود؟ بارش فکری

- اگر یک پشه را قورت بدھیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر نویسی

- اگر در دنیا اصلاً پشه‌ای نبود، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر نویسی

- خداوند با خلق پشه، من خواهد چه پیامی به ما بدهد؟ گزین گفته‌ها

- چگونه پشه‌ای ناتوان، نمرود را با آن همه اذعا از پای درآورد؟ گزین گفته‌ها

- چه نسبتی بین عقاب و پشه وجود دارد؛ آنجا که شاعر گفته است:

بایل کر عتاب، پر برزو از پشه لاغری چه خبر؟

۲- موضوعی را انتخاب و با بهره‌گیری از روش‌هایی که گفته شد، پرسش‌هایی مناسب درباره آن، طرح کنید. سپس چند پرسش را ازین آنها انتخاب کنید و به آنها پاسخ دهید (پاسخ‌سازی).

موضوع؛ زبان

پرسش‌ها:

- زبان چیست؟

- زبان چه کارکردهایی دارد؟

-

۳- پرسش‌ها و پاس

ردیف

طرح پرس

۱

۲

۳

۴

۵

- با توجه به ارزش
پاسخ پیشنهادی:
پرسش استفاده ک
نگارشی اندکی ضع

حکایت نگاری
حکایت زیر را بخ
سگی بر لب جو
شّره (طعم) دهار

گرفت، انعکاس ت
را از روی طمع کار

زبان اصلی ترین راه ارتباط انسان هاست. پدیده‌ای که اگر چه برخورداری از آن از همان سال اول زندگی آغاز می‌شود و استفاده از آن بسیار آسان است، ولی هنوز به درستی شناخته نشده است؛ به همین خاطر است که می‌گویند: «زبان یکی از جنبه‌های رزمآمیز روزی، سگی به قدرت، انعکاس ترا از روی طمع کار».

زبان همواره در معرض تغییر و تحول است و یاد موقعيت‌ها، مکان‌ها و زمان‌های مختلف شکل متفاوتی به خود می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت، اگر چه زبان نظام یگانه‌ای است اما شکل‌های متنوعی به خود می‌گیرد؛ این گوناگونی‌ها در عین یگانگی که عمده‌تر در زبان‌های انسان به چشم می‌خورد عبارتند از:

گونه، لهجه، گویش

ناصرخسرو درباره زبان می‌گوید

بس سرکه بریده زبان است / با یک نقطه زبان، زبان است

همچنین زبان را، وقتی درست به کار گرفته نشود، مانند ماری افعی می‌داند.

زبان به کام در، افعی است مرد نادان را / حضرت باید کردن همی ازان افعی

اسدی زبان بریده را از زبان دروغگو بهتر می‌داند.

زبانی که باشد بریده ز جای / از آن به که باشد دروغ آزمای

و سخن سعدی درباره زبان بسیار معروف است که:

زبان ای خردمند چیست / کلید در گنج صاحب هنر

چو درسته باشد نداند کسی / که جوهر فروش است با پیله ور

۲

کارگاه نوشت

۱- نوشته‌های ز

من بک

هر فاصله خود

گاهش آن قادر ز

بعض‌ها هم ج

فاصله هر دو د

دیوارهای دیگ

حسادت و ...

دیوارهای واقع

و از نظر اینهاد

بیرموفة

تلاش

- اگر انسان از زبان بهره مند نبود چه می‌شد؟

- انسان به جز زبان از چه چیزهایی برای برقراری ارتباط استفاده می‌کند؟

- زبان چه کارکرده در برقراری ارتباط دارد؟

- اگر به جای زبان از اشاره استفاده کنیم، چه می‌شود؟

- جایگزین زبان چیست؟

- زبان رنگ‌ها چیست؟

- چرا می‌گویند زبان سخ سرسیز می‌دهد براید؟

- چرا می‌گویند فلانی یک زبان دارد به اندازه کف دست؟

- در اشعار شاعران فارسی زبان، از زبان چگونه یاد شده است؟

- آیا حدیث و روایتی درباره زبان می‌شناسید؟

- زبان حیوانات چیست؟

- آیا فقط انسان زبان دارد؟

- خوارک زبان چیست؟

- زبان را به چه چیزهایی می‌توان تشییه کرد؟

- مقصود از زبان درازی چیست؟

- با دیگران با چه زبانی باید صحبت کرد؟

- با چه زبانی بگویی؟

پرسش‌های انتخاب شده

- زبان چیست؟

- زبان چه کاربردهایی دارد؟

- فایده‌ی بهره‌مندی از زبان چیست؟

- در اشعار شاعران فارسی زبان از زبان چگونه یاد شده است؟

- زبان را به چه چیزهایی می‌توان تشییه کرد؟

متن تولیدی

زبان اصلی ترین راه ارتباط انسان هاست. پدیده‌ای که اگر چه برخورداری از آن از همان سال اول زندگی آغاز می‌شود و استفاده از آن بسیار آسان است، ولی هنوز به درستی شناخته نشده است؛ به همین خاطر است که می‌گویند: «زبان یکی از جنبه‌های رزمآمیز انسان است که به جهت تغییر و تحول دائمی، پیچیدگی و گستردگی بیش از حد و... شناخت آن دشوار است». زبان یک نظام است و کار اصلی آن ایجاد ارتباط میان انسان هاست.

زبان همواره در معرض تغییر و تحول است و یاد موقعيت‌ها، مکان‌ها و زمان‌های مختلف متفاوتی به خود می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت، اگر چه زبان نظام یگانه‌ای است اما شکل‌های متنوعی به خود می‌گیرد؛ این گوناگونی‌ها در عین یگانگی که عمده‌تر در زبان‌های انسان به چشم می‌خورد عبارتند از:

گونه، لهجه، گویش

ناصرخسرو درباره زبان می‌گوید

بس سرکه بریده زبان است / با یک نقطه زبان، زبان است

همچنین زبان را، وقتی درست به کار گرفته نشود، مانند ماری افعی می‌داند.

زبان به کام در، افعی است مرد نادان را / حضرت باید کردن همی ازان افعی

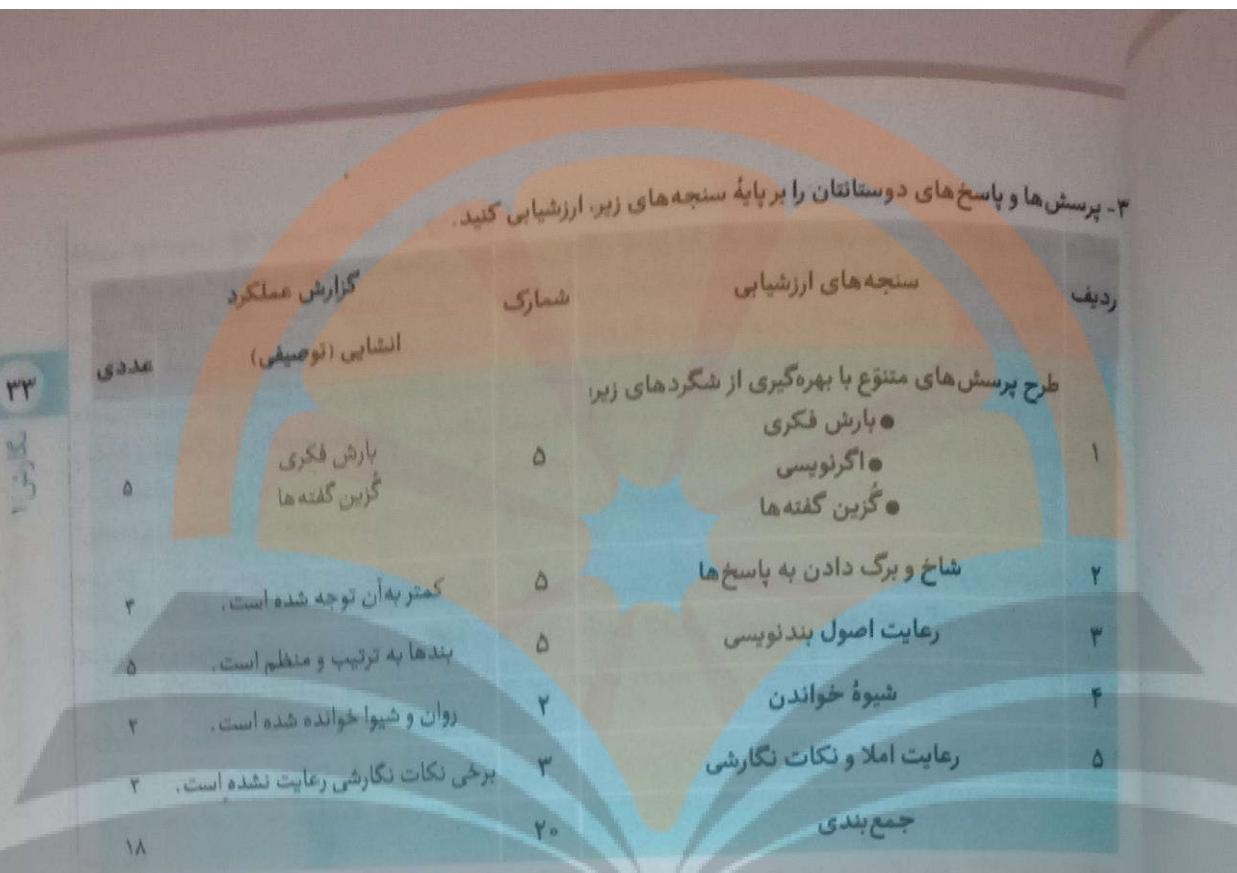
اسدی زبان بریده را از زبان دروغگو بهتر می‌داند.

زبانی که باشد بریده ز جای / از آن به که باشد دروغ آزمای

و سخن سعدی درباره زبان بسیار معروف است که:

زبان ای خردمند چیست / کلید در گنج صاحب هنر

چو درسته باشد نداند کسی / که جوهر فروش است با پیله ور



- با توجه به ارزشیابی بالا، برداشت نهایی خود را از نوشتة دوستانان در چند سطر بنویسید:
باش پیشنهادی؛ دانش‌آموزان فکر خود را به کار انداخته‌اند و این از نوشتة هایشان پیداست. از شگردهای مختلف برای طرح پرسش استفاده کرده‌اند و خوب به موضوعات شاخ و برگ داده‌اند اصول بندنویسی را رعایت کرده‌اند اما در استفاده از عالم نگارشی اندکی ضعف دارند.

حکایت‌نگاری

حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.
سگ بر لب جوی، استخوانی یافت. چندان که در دهان گرفت، عکس آن در آب پدید. پنداشت که دیگری است. به شرط (طعم) دهان باز کرد تا آن را نیز از روی آب برگیرد. آنچه در دهان بود، به باد داد.

کلبله و دمنه

روزی، سگی به قصد آب خوردن به سوی جوی آب رفت. کنار جوی آب استخوانی دید. به محض اینکه استخوان را در دهان گرفت، انکاس تصویر خود و استخوان را در آب دید. پیش خود تصور کرد که سگ دیگری استخوان بردهان گرفته است. دهانش را از روی طمع کاری باز کرد تا آن استخوان دیگر را هم به دست بیاورد؛ اما دهان باز کردن همان و استخوان در آب افتادن همان.

۲۵ عینک نوشتمن

کارگاه نوشتمن
۱- نوشتة‌های زیر را بخوانید و فضای حاکم بر آنها (عین و ذهن) را مشخص کنید. و درباره پاسخ خود، استدلال کنید.
من یک

هر فاصله خودش حکم یک دیوار را دارد. فاصله جزء همان دیوارهایی است که بیشتر مانع است تا محافظه. فاصله‌ها گاهی آنقدر زیادند که هیچ دیواری به پهنهای آنها نمی‌رسد. بعض‌ها به جای فاصله، کلمه جدایی را به کار می‌برند. بعض‌ها هم جدایی را سبب فاصله می‌دانند و بعض‌ها، فاصله را علت جدایی می‌پندارند. در هر صورت، جدایی و فاصله هر دو دیوارهای هستند که مانع مهروزیدن می‌شوند.

دیوارهای دیگری هم داریم که به مراتب از دیوارهای سنگی و آهنسی سخت‌ترند. دیوارهایی چون قهر، نفرت، بدیهی، حسادت و ... که هرگاه کاشته می‌شوند، باعث فاصله و جدایی می‌گردند. این دیوارها دیده نمی‌شوند؛ اما بدتر از

تلash در معرفت

ردیف

نفس، چه سیس، چه چوی، چه بزرگ و چه کوچک یک دیوار است؛ زیرا بین پرندۀ و پروار فاصله انداده است. شاید داستان آن پرندۀ را شنیده باشد که غمگین بود؛ نفس بزرگ به اندازه یک شهر برایش ساخته؛ داخل نفس بزرگ درخت کاشتند؛ استخر درست کردند؛ بهترین دانه‌ها را جلویش گذاشتند؛ برایش لانه درست کردند؛ اما باز غمگین بود تا اینکه در نفس را باز کردند و او شادمان پرواز کرد. چه دیواری، قطعه‌تر و سنگی تراز نفس من می‌توان تصویر کرد؟

تبیل «هم» یک دیوار است. تسلی، پدیده بسیار مرموز است که گاه‌گاهی خبره سراغمان من آید و دیوار من شود. بین انسان و نشاط و سرزنشگی اش، دیوار تبیل از آن دیوارهای است که مانع من شود. انسان به زندگی شاداب و فرج بخش دست پایی پاسخ، قضای حاکم براین نوشته فضای عینی است زیرا صحبت از نفس، دیوار فاصله و تسلی است و از توصیفات محبوس به گرفته است. مانند، داخل نفس برایش درخت کاشتند و ... ولی بند آخر ذهنی است.

من دو

کلاع فارزد و از روی درخت کاج خانه همسایه پر کشید و نشست روی تاجی ماشین. مرد جوان، توی چشم‌های کلان که درشت و مژدهار بود، چیزی دید ... کلاع روی پاهای بلند و لاغرش جستی زد. بلند شد و کمی دورتر نشست و ... دانه‌های باران که در جاه‌ای جمع شده بود، نوک زد. جوانی به رحمت دستگیره سرمه ماشین را گرفت و کشید. کلاع دوباره پرزد و روی دیوار نشست.

ردیف

تبیله‌های شکسته زیرا

فضای حاکم براین نوشته نیز فضای عینی است؛ زیرا صحبت از کلاع، ماشین، همسایه، دانه‌های باران و ... است.

من سه

مراد بلند شد و از نزدیم آمد پایین. افسار گاو را گرفت و از در خانه بیرون رفت. از کتار نخل گذشت. زیر چشم، نگاه به آن انداد. برگ‌های ریز و سیز سرو نکان من خورد. باد نکاشان من داد. سایه‌اش، کوچه و نصف باغ رو به رویش اگرفته بود. گنجشک‌ها توی آن جیک جیک می‌کردند. لکه نازک ابری سفید گوشه آسمان داشت از هم باز من شد و جذا تا بچه توی کوچه گرد و بازی می‌کردند.

مثل نویسی

نظر

فضای حاکم براین نوشته نیز فضای عینی است؛ زیرا صحبت از نزدیم، گاو، نخل، برگ‌ها و کوچه و ... است.

من چهار

آه چه شب‌ها! ای پنجه‌گرد اتفاق من. ای دریجه بسته. چه شب‌ها که از تخت خواهیم به سویت نگیریستم؛ در حالی که با خود من گفتم: اینکه هنگام که رنگ این چشم به سپیدی بگراید. سپیده خواهد دید: آنگاه از جا بخواهیم خاست و این رنجوری و ملال را از خود خواهیم راند و سپیده، دیبا را خواهد داشت و ما در سرزمین ناشناخته پهلو خواهیم گرفت سپیده دمیدی اینکه دریا از آمدنش رنگ آرامش به خود گیرد؛ زمین هنوز دور بود و اندیشه من بر چهره موج آب‌هادر نوسان. منتقل شدن که از موج‌های دریا ناش من شود و تمامی بدن، آن را به باد من سپارد. با خود گفتم: آیا خواهیم توانست اندیشه‌ای به این دلک لرzan کشی بی‌ویزم؟ ای موج‌ها، آیا جزایی که در باد شبانه به این سو و آن سو برآنکه من شود، چیزی نخواهیم دید؟

مائده‌های زمینی و مائده‌های ناز

فضای حاکم براین نوشته ذهنی است؛ زیرا تویسته با خود نجوا می‌کند و اندیشه خود را به خیال می‌سپارد و ... ۲- موضوع را انتخاب کنید و با توجه به محتوای درس، درباره آن، متنی بنویسید.

موضوع: خرگوش‌ها

خرگوش‌های کوچک - دونایی - نگاهان از خواب جستند. گوش‌هایشان راست شد، چشم‌اشان برقی زد و لرزش زیر پوست نمودند. تنشیان راه یافت. از بیرون صدایی شنیده بودند؛ از بالاتی سوراخ، کلوخی به درون افتاده بود. قلیشان تنیدند می‌زد و صدای آن توی سوراخ می‌پیچید. نفس نفس می‌زدند. خطیری را نزدیک خود حس می‌کردند، مادرشان نبود و تنها یاری بیشتر، آنها را می‌ترسانند. یک بار دیگر صدایی به گوششان رسید. انگار برف‌ها زیر پای کسی فشرده می‌شد. آنها بخ کرده بودند و از ترس خود را به انتهای لانه می‌فرشند.

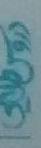
(خرگوش‌ها، ایرج پرشک)

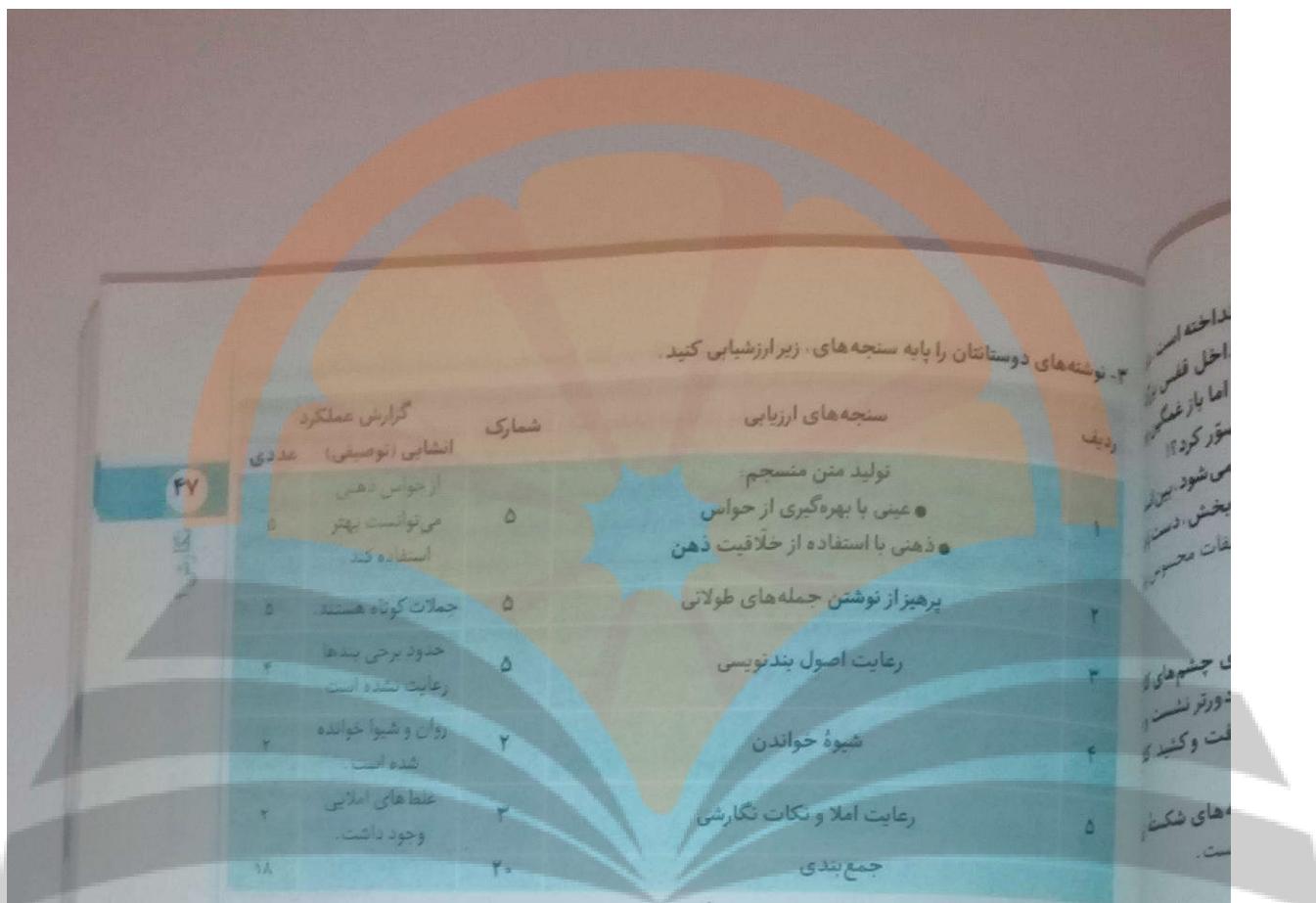
کارگاه نوشنی

الف) متن و پرسش

نمایید. سپس آنها را معرفان، گیاهی گرانبهای دیگر از زمین نا آسمان

تلash





با توجه به ارزیابی بالا پرداشت نهایی خود را از نوشته دوستانه در چند سطونویسید:

باخ پیشنهادی: دانش آموzan در اکثر موارد اصول بندتویی را رعایت کرده اند و برخی جملاتشان طولانی است و دارای علطا املائی و ایرادهای نگارشی است.

مثل نویسی

مثل های زیر را بخوانید، سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.

- از تحرک از خدا برکت.

- آب که یک جاماند. می گند.

- کار نیکو کردن از بُرکردن است.

- باد آورده را باد می نزد.

- تو نیکی می کن و در دجله انداز.

بار آفرینش مثل

تو نیکی می کن و در دجله انداز

غرق در خیالات خود از کوچه ای می گذشتم. دیدم خانم جوانی با نگرانی توأم با وسواسی غریب این طرف و آن طرف کوچه را جستجو می کند. جلوتر که آدم، دیدم دختر خاله ام است که از شدت ناراحتی رنگش پریده. ما هر را جویا شدم. معلوم شد چک بچاه هزار تومانی را که قرار بود با آن خرید کند و شام شب را فراهم کند گم کرده است! همراه او تمام کوچه را به دنبال پول گشته و هر چه گشته کمتر جستیم. در نهایت، مبلغ گم کرده او را به او دادم و به جست وجو پایان دادم. فردای آن روز، دوباره از آن کوچه گذشتم. در کنار خاک رویه های کنار جوی کوچه چیزی توجه مرا به خود جلب کرد؛ چک پنجاه هزار تومانی بود. این ماجرا همیشه مرا به یاد مثل «تو نیکی می کن و در دجله انداز که ایزد در بیانت دهد بار» می اندارد.

نحوه عینی

۴۷ کارگاه نوشن

۱- الف) متن و پرسش های زیر را بخوانید: آنگاه از بین پرسش ها، آنها را که با محتوا نوشت، ارتباط دارند، مشخص نمایید. سپس آنها را متناسب با متن، گزینش و سازماندهی کنید.

۲- از طران، گیاهی که اینها است: گرده آن به ظاهر شبیه همه گیاهان خشک شده دیگر است: اقامایان گرده زعفران و گیاهان دیگر از زمین، تا آسمان، فقره است. هم از نظر رنگ و طعم و هم از نظر ارزش غذایی و مادی آن.

زیر پوست
صدای آن بود
را می ترساند
و در آبه انتهای
بین پر شکن

تلash برای موفقیت

زعفران. فوق العاده گران است. شاید به همین دلیل به طلای سرخ، معروف شده است. قیمت یک مقاله زعفران بسیار کیک زرد اغلب از طریق آسیا بالاست و هر کس نمی تواند به راحتی چند مقاله زعفران تهیه کند. یکی از شوختهای ایرانی ها این است که وقت کس پودر زیر و زیرنگی به دست می شود.

سلیمانی زوب من شود. برای تهیه کیک زرد، سنگ م ایران یکی از کشورهای زعفران خیز است و در جهان به این گشت معروف است. این طلای گیاهی، در خراسان کشت می شود و زعفران خراسان شهرت جهانی دارد. در گذشته، به کسانی که زعفران می کاشتند، زعفرانچی می گفتند. اگر از رنگ جذاب و طعم لذید زعفران بگذریم، خاصیت زعفران را نمی توان نادیده گرفت. می گویند زعفران شادی افزایش خنده آور است. قلب را تقویت و ضربان آن را تنظیم می کند.

پرسش ها:

- کیک زرد چیست؟
- کاربرد کیک زرد چیست؟
- کیک زرد چگونه تهیه می شود؟
- چند رصد پودر سنگ معدن اورانیم دارد؟
- پودر سنگ معدن اورانیم را کجا پودر سرگ آوریم؟
- چه کشورهایی کیک زرد تولید می کنند؟
- کیک زرد چه ارتباطی با بهترین مواد غذایی دارد؟

پرسش ها:

- پس، خوردن کیک زعفران، شریط زعفران، برج زعفرانی و هر چیزی را که زعفران دارد، هیچ وقت از دست ندهید.

پرسش ها:

- زعفران چیست؟ بند (۱)
- چه رنگ است؟ بند (۲)
- چه طعمی دارد؟ بند (۳)
- چه بویی دارد؟
- شیوه کشت آن چگونه است؟
- کاربرد آن چیست؟
- چرا زعفران با طلا برایبری می کند؟ بند (۴)
- زعفران چگونه بسته بندی می شود؟
- آیا نوع بسته بندی زعفران اهمیت خاصی دارد؟
- هر چیز کشت زعفران چقدر است؟
- آیا کشت زعفران، کارکرد اقتصادی دارد؟ بند (۵)
- آیا زعفران از مواد ضروری در تهیه خوارکی هاست؟
- زعفران، چه خاصیت هایی دارد؟ بند (۶)

گزینش و سازماندهی پرسش ها:

براساس کی و جزوی بودن:

زعفران چیست؟ کاربرد آن چیست؟

شیوه کشت آن چگونه است؟

هر چیز کشت زعفران چقدر است؟

چه رنگی است؟

چه طعمی دارد؟

چه بویی دارد؟

آیا کشت زعفران توجیه اقتصادی دارد؟

آیا نوع بسته بندی زعفران اهمیت خاصی دارد؟

زعفران چگونه بسته بندی می شود؟

چرا زعفران با طلا برایبری می کند؟

آیا زعفران از مواد ضروری در تهیه خوارکی هاست؟

سازماندهی پرسش ها:

(کلی و جزوی)

کیک زرد چیست؟

کاربردهای کیک زرد چیست؟

کیک زرد چگونه تهیه می شود؟

چند درصد پودر سنگ

پودر سنگ معدن اورانیم دارد؟

چرا پودر سنگ اورانیم را کجا پودر سرگ آوریم؟

چه کشورهایی کیک زرد تولید می کنند؟

کیک زرد چه ارتباطی با بهترین مواد غذایی دارد؟

۲- موضوع را انتخاب!

موضوع: فصل ها

مرحله اول: طرح پرسش

- زیباترین فصل چه فصل است؟

- هنگام بهار زمین چگونه می سریزد؟

- لشانه فرا رسیدن تابستان است؟

- چه میوه هایی در تابستان می خواهند؟

- چه فصلی برای استرالیا می باشد؟

- افزایش دما و گرم شدن

- گیلاس و البالو در چه فصل است؟

- دل ایگر ترین فصل کدام است؟

- محصول ترین فصل دنیا کدام است؟

- در چه فصل برگ درختان می شود؟

- چرا پاییز نماد مرگ و میر است؟

- اگر در یک سال چهارم

- آیا جایی هم هست؟

ب) هنن زیرا بخوانید و متناسب با آن پرسش هایی طرح کنید. سپس با سازماندهی سوال ها نکته نوشته را نشان دهد.

کیک زرد Yellowcake عنوان است که به اورانیم اکسید غلیظ شده. به کار می رود و در تهیه اورانیم غنی شده از آن استفاده می شود. این ماده عموما برای ساخت راکتور هسته ای، کاربرد دارد.

کیک زرد که به نام اورانیا (urania) هم شناخته می شود. در واقع خاک معدن اورانیم است که پس از گذراندن مراحل تصفیه و فراوری های لازم از سنگ معدن آن تهیه می شود. تهیه این ماده به متله رسیدن به بخش میان از مراحل مختلف تصفیه سنگ معدن اورانیم است و فاصله بسیاری تا استفاده در بمب اتمی دارد.

دزغوان سیستم

راسان کش

مد.

که وقتی کسر
پودر زیر و زرد رنگی به دست می آید که محتوی حدود ۸۰ درصد اورانیم اکسید است. این پودر در دمای ۲۸۷۸ سلسیوس ذوب می شود.

برای تهیه کیک زرد، سنگ معدن اورانیم را پس از استخراج از معدن، آسیاب و پس از شست و شو با سولفوریک اسید، آن را خشک و صاف می کنند. نام «کیک زرد» به سبب رنگ زرد آن در مراحل آغازی کار است. کیک زرد، ماده ای پرتوzas است. همه کشورهایی که در آنها اورانیم استخراج می شود، کیک زرد هم می سازند. ایران با همت جوانان مؤمن و انقلابی، این فناوری علمی دست یافت تا از کارکردهای علمی آن بهره گیرد.

پرسش ها:

- کیک زرد چیست؟

- کاربرد کیک زرد چیست؟

- کیک زرد چگونه تهیه می شود؟

- چند درصد پودر سنگ معدن اورانیم را کیک زرد تشکیل می دهد؟

- پودر سنگ معدن اورانیم در چه دمایی ذوب می شود؟

- چرا پودر سنگ اورانیم را کیک زرد نامیده اند؟

- چه کشورهایی کیک زرد تولید می کنند؟

- کیک زرد چه ارتباطی با بمب اتمی دارد؟

سازماندهی پرسش ها:

(کلی و جزئی)

✿ کیک زرد چیست؟

- کاربردهای کیک زرد چیست؟

- کیک زرد چگونه تهیه می شود؟

✿ چند درصد پودر سنگ معدن اورانیم را کیک زرد تشکیل می دهد؟

- پودر سنگ معدن اورانیم در چه دمایی ذوب می شود؟

- چرا پودر سنگ اورانیم را کیک زرد نامیده اند؟

- چه کشورهایی کیک زرد تولید می کنند؟

- کیک زرد چه ارتباطی با بمب اتمی دارد؟

۲- موضوعی را انتخاب کنید و با شیوه پرسش و پاسخ (پاسخ‌سازی). یک متن عینی بنویسید.

موضوع: فصل ها

مرحله اول: طرح پرسش های گوناگون

- زیباترین فصل چه فصلی است؟

- هنگام بهار زمین چگونه است؟

- سرسبزی بهار چه احساسی به انسان می بخشد؟

- نشانه فرا رسیدن تابستان چیست؟

- چه میوه هایی در تابستان می رساند؟

- چه فصلی برای استراحت و تفریح مناسب است؟

- افزایش دما و گرم شدن هوا از نشانه های کدام فصل است؟

- گیلاس و آبلالو در چه فصلی یافت می شوند؟

- دل انگیزترین فصل سال کدام فصل است؟

- محبوب ترین فصل در میان مردم کدام است؟

- در چه فصلی برگ درختان زرد می شود؟

- چرا پاییز نماد مرگ و نابودی است؟

- آیینه که ایام شاهزاده ها را در جم جم نشاند؟

د همیز.

ه از آن

مراحل

مراحل

تلاش موفقیت

تلاش برای معرفه

- آیا پاییز و زمستان هم دوست داشتنی هستند؟
 - چرا زمستان‌ها سرد است؟
مرحله دوم: شناسایی و جدا کردن پرسش‌های عینی
 - چه میوه‌هایی در تابستان می‌رسند؟
 - افزایش دما و گرم شدن هوای نشانه‌های کدام فصل است؟
 - گیلاس و آلبولو در چه فصلی یافت می‌شوند؟
 - در چه فصلی برگ درختان زرد می‌شود؟
 - آیا جایی هم هست که فقط تابستان و زمستان داشته باشد؟
 - چرا زمستان‌ها سرد است؟
مرحله سوم: گزینش و سازماندهی پرسش‌ها
 - هنگام بهار زمین چگونه است؟
 - نشانه فراسیدن تابستان چیست؟
 - چه میوه‌هایی در تابستان می‌رسند؟
 - چه فصلی برای استراحت و تفریغ مناسب‌تر است؟
 - افزایش دما و گرم شدن هوای نشانه‌های کدام فصل است؟
 - گیلاس و آلبولو در چه فصلی یافت می‌شوند؟
 - در چه فصلی برگ درختان زرد می‌شود؟

متن نوشته:

سربالایی، مرا خسته و بی رمق کرده بود. کم کم داشتم به باغ می‌رسیدم و این آخرین قدم‌ها برای رسیدن به مقصد بود. یکی دوفد، دیگر باقی مانده بود. نسیم خنکی آرام از کنار گوشم گذشت و با خود بیوی بوته‌ها را آورد. بوی دل انگیز پونه‌ها و ریحان‌ها اطراف بی را پرکرده بود. بوی گیاهان تازه و خنکی آبی که از جویبار می‌گذشت حس دل انگیزی به من می‌بخشد. همه جا پر از طراوت و زیبایی بود. گاهی و زش نسیم آرامی، گیلاس‌های تازه رسیده را نوازش می‌کرد. چند پرندۀ گوچک روی شاخه‌های درختان جایه‌جامی شدند و هیاهویی بربایی کردند. مدرسه‌ها دیگر تعطیل شده بود و اوخر بهار را از رسیدن گیلاس و آلبولو و توت می‌شد درک کرد. آلبولو کمی دیرتر از گیلاس و توت می‌رسند. به زودی تابستان با گرماش از راه می‌رسد اما زیر سایه درختان باغ همچنان خنک و دلچسپ است. تابستان که از راه می‌رسد هوای گرم‌تر می‌شود و کوارلها به خانه‌ها باز می‌گردند. هنگام ظهر تقریباً کسی از خانه‌ها بیرون نمی‌آید و همه منتظرند تا از گرامی هوا کاسته شود. خربزه و هندوانه و گرمسک و طالبی به بازار می‌آیند. و میوه فراوان می‌شود. زمان تفریغ و استراحت فرامی‌رسد. اما تابستان هم زود سپری می‌شود و رنگ و روی طبیعت خیلی زود زرد و تیره می‌شود. تابستان زنگاریکا پرهیاهو جای خود را به پاییز می‌دهد و من همین طور که در باغ تفرق کنام قدم می‌زنم، گذر شتابان عمر را از نظر می‌گذرانم.

۳- به پرسش‌ها و نوشته دوستانه با دقت گوش دهد و آن را برپایه سنجه‌های زیر، ارزیابی کنید.

ردیف	سنجه‌های ارزشیابی	شارک	عنوان (توصیفی)	عددی
۱	طرح پرسش‌های متنوع	۲	تنوع بیشتری لازم است.	۱
۲	شناسایی و جدا کردن	۳	جداسازی کامل انجام نشده است.	۲
۳	پرسش‌های عینی	۲	متناسب است.	۲
۴	گزینش و سازماندهی پرسش‌ها	۲	متناسب با پرسش‌ها	۲
۵	رعایت انسجام در نوشته	۲	ضییف است.	۱
۶	پرهیز از نگارش جمله‌های طولانی	۲	خوب است.	۲
۷	استفاده از واژه‌های مناسب	۲	به تمرين بیشتری احتیاج دارد.	۱
۸	فضای متن	۲	ضییف است.	۱
۹	شیوه خواندن	۳	غلط‌های املایی وجود دارد.	۲
۱۰	جمع املا و نکات نگارشی	۲۰	شکوه زیادی	۱۴
	جمع بندی			

تلاش

۵ با توجه به ارزشیابی انجام شده، برداشت نهایی خود را از نوشه دوستانان، در چند سطر بنویسید.

با سخ پیشنهادی؛ دانش آموزان موضوعات مختلف را انتخاب کرده‌اند.

پرسش‌های متعدد و گوناگون پیرامون موضوعات مطرح کرده‌اند.

پرسش‌های عینی را مجزا نوشته‌اند.

به پرسش‌های خود با سخ های درخور و مناسی داده‌اند.

برخی نایختگی‌ها و رعایت نکردن اصول و نکات نگارشی در نوشته‌ها دیده می‌شود که به مرور زمان رفع می‌شوند.

شعر گردانی

۶۴ شعر زیر را بخوانید، درک و دریافت خود را از آن، در جای مشخص شده، بنویسید.

ایستاده‌ام.

۶۵ شعر زیر را بخوانید، درک و دریافت خود را از آن، در جای مشخص شده، بنویسید.

ایستاده‌ایم.

جنگلیم:

تن به صندلی شدن نداده‌ایم.
غلامرضا بکناش

بازگردانی و بازپروری

من در برابر هر آنچه که علیه من و به ضرر من باشد (دشمن) می‌ایstem.

توهم همچنین در برابر آنچه تهدیدی علیه تو باشد می‌ایstem.

همه مادر برابر هر خطری که ما را تهدید کند می‌ایstem.

این اتحاد و همکاری ما باعث می‌شود تا همانند یک چنگل با هم باشیم و تن به هر پستی و خواری ندهیم و در برابر دشمن ایستادگی کنیم.

صد بود. یکی دوقم
و ریحان‌ها اطراف باغ
پراز طراوت و زیبایی
تاق جایه جا می‌شدند
شد درک کرد. البالوها
آن خنک و دلچسپ
مانه‌ها بیرون نمی‌اید
می‌شود. زمان تفریج
تابستان رنگارنگ و
می‌گذرانم.

کارگاه نوشن

۶۴ ۱- گزارش زیر را بخوانید و متناسب با آن، پرسش‌هایی بنویسید. سپس سوال‌ها را سازماندهی کنید.

موزه آذربایجان، یکی از مهم‌ترین موزه‌های ایران است که در شهر تبریز و در جوار مسجد کبود قرار دارد. این موزه دومین موزه باستان‌شناسی پس از موزه ملی ایران است. آثار تاریخی و هنری متعلق به دوران پیش از اسلام و دوران اسلامی در اینجا به نمایش گذاشته شده است.

وقتی از دروارد من شوی به آستانه موزه می‌رسی که سمت راست آن باجه بیلت فروشی است. در همین محوطه، حوضچه بسیار شکل و زیبایی جلب توجه می‌کند که از مرمر یکپارچه ساخته شده است و قدمت نسبتاً زیادی دارد.

بنای موزه سه طبقه است: هر یک با مساحت تقریبی ۶۶ مترمربع. از آستانه موزه راهی است به سالن همکف. در همین سالن، شانزده غرفه نشیشه‌ای دو طبقه وجود دارد که اشیای عتیقه در آنها قرار دارند. ده غرفه از همین غرفه‌ها معمولاً به زیرخاکی‌های سفالی اختصاص دارد که برخی از آنها به دوران قفل از تاریخ و برخی دیگر به هزاره اول و هزاره دوم قبل از میلاد مربوط می‌شود. از پله‌ها که بالا می‌روی، وارد تالار طبقه فوقانی می‌شوی: نام این تالار «تالار تالار مشروطیت» است که به دلیل داشتن تابلوهای مصور دوران انقلاب مشروطیت و اشیای عتیقه دیگر، دیدن است. وقتی از دروارد من شوی، تندیس فلزی ستارخان، سردار ملی جلب نظر می‌کند. در چهار دیوار تالار، سی و شش تابلو نصب شده است که به رجال سیاست و مجاهدین معروف انقلاب مشروطیت مربوط اند.

یکی از همین تابلوها نمودار شهدای عاشورای سال ۱۲۹۰ شمسی (۱۳۵۰ ه. ق.) است و در آن تصاویر مرحوم نقہ‌الاسلام با جمع باران مشروطه طلب و انقلابی اش دیده می‌شود که به طور دسته جمعی به دارآویخته شده‌اند....

در طبقه زیرزمینی موزه، تالار دیگری وجود دارد که آثار عتیقه، به ویژه مجسمه‌های خیال‌انگیز و تماشایی اش به فضای آن، شکوه زیادی بخشیده است.

عددی

۱	۱
۲	۲
۳	۳
۴	۴
۵	۵
۶	۶
۷	۷
۸	۸
۹	۹
۱۰	۱۰

این مجسمه‌های تجسمی و تختیلی وقتی در معرض نمایش هر تماشاگر را احساس و نکته‌دان قرار می‌گیرند. چنان گویان
حقایق زندگی و واقعیات تاریخی هستند که با همه بی‌زبانی، زبان‌آوری می‌کنند و برخی از ماجراهای تلخ و ناگوار زندگی
آینده‌سان را در برابر دید تماشاگران قرار می‌دهند و با مهارت تحسین‌انگیزی به تفسیر خدادهای عالم پر ماجرا می‌پردازند.
هنر انسان‌نویسی و نامه‌نگاری

مرحله دو

- موضوع

- شهر نس

- جنب و

- وضعیت

- نویسنده

- موضوع

- شیفتگی

- چه ک

گزارش:

امروز، د

روز آغاز

سال بود

را آغاز ک

بیشتر ا

به یک

تعداد

قبل س

سال ب

دیگر ا

از صی

روم،

کتاب

این ک

در ما

قلمر

جلال

موض

فصا

علی

امرو

دع

خان

سی

خو

قس

مه

هر

پرسش‌ها:

- چه چیزهایی در موزه به نمایش گذاشته شده است؟

- نام موزه چیست؟

- این موزه در کجا قرار دارد؟

- این موزه چه اهمیتی دارد؟

- ساختمان موزه چند طبقه است؟

- مساحت ساختمان موزه چقدر است؟

- نمای ساختمان چگونه است؟

- چه چیزهایی روی دیوارهای ساختمان موزه به چشم می‌خورد؟

- بازدید از موزه یادآور چه چهره‌های مشهوری است؟

- تالار طبقه فوقانی چه نام دارد؟

سازماندهی پرسش‌ها:

- نام موزه چیست؟

- این موزه در کجا قرار دارد؟

- این موزه چه اهمیتی دارد؟

- چه چیزهایی در موزه به نمایش گذاشته شده است؟

- نمای ساختمان چگونه است؟

- ساختمان موزه چند طبقه است؟

- مساحت ساختمان موزه چقدر است؟

- تالار طبقه فوقانی چه نام دارد؟

- چه چیزهایی روی دیوارهای ساختمان موزه به چشم می‌خورد؟

- بازدید از موزه یادآور چه چهره‌های مشهوری است؟

۲- یکی از موضوع‌های زیر را انتخاب کنید و با بهره‌گیری از شیوه پرسش و پاسخ‌سازی، گزارش بنویسید.

- بازدید از یک مکان تاریخی

- کتابخانه مدرسه یا شهر

- اردوی دانش‌آموزی

- سفر خانوادگی

- فعالیت‌های یک روز تعطیل

- مهمانی فamilی

مرحله اول: پرسش‌های عینی

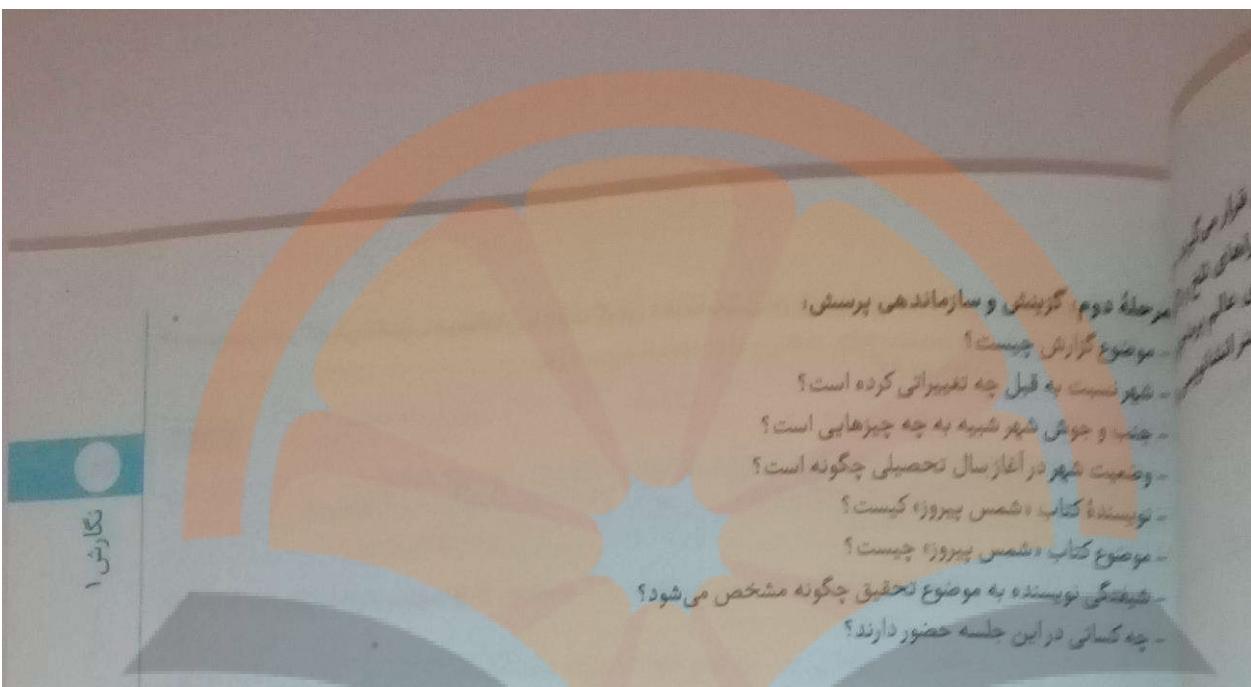
- نویسنده کتاب «شمس پیروز» کیست؟

- شهر نسبت به قبل چه تغییراتی کرده است؟

- موضوع گزارش چیست؟

- موضوع کتاب «شمس پیروز» چیست؟

تلash در مسیر موفقیت



گزارش آغازی مثل همیشه

امروز، دهم اکتبر ۱۹۸۵ برابر با ۱۸ مهرماه ۱۳۶۴ در واقع جلوه و جنب و جوش دیگری داشت. امروز یک روز نخستین بود؛ نخستین روز آغاز کلاس‌ها پس از تعطیلات تابستانی. از روز قبل شهر چهره دیگری داشت و برای من، روز اول مهر را به یاد می‌آورد که سی و اند سال بود بدان خوگرفته بودم. سی و اند سال عمر کمی نیست؛ ثلث یک قرن و ادمی که سی و اند سال در یک روز بخصوص کاری را آغاز کرده پائند، حق دارد که به عنوان یک عادت به آن انس گرفته باشد. این شهرکه چندین قرن است به چنین روزی خوگرفته بیشتر از من باید به آن عادت کرده باشد. همه چیز از همین عادت می‌گوید، در و دیوار شهر به چیزی گواهی می‌دهند، به یک آغاز، به یک تولد دوباره؛ گویی خون تازه‌ای در کالبد شهر جریان یافته است.

تمداد دوچرخه سواران به ویژه در اطراف کالج‌ها و دانشکده‌ها به صورت توجه برانگیزی فزونی یافته؛ در خیابان‌هایی که روزهای قبل سوت و کور و برهوت می‌نمود، برو بیایی است. معلوم نیست اگر هر کدام از این دوچرخه سواران یک اتومبیل می‌داشتند، چند سال پیش از این ساختمان‌های نجیب، این کوچه‌های اصلی و تاریخ نشان را پهنان خیابان‌های درنده شد به کام درمی‌کشید و دیگر امروزه یقین اتری از این همه نفاست و معماری به چشم نمی‌خورد. حساب هوای سالم و مطبوع هم دیگر با کرام الکاتیس بود. از صبح در کتابخانه دانشکده مطالعات شرقی به کتاب‌های بخش ایران‌شناسی سرم بندشده و ازان میان، کتابی راجع به مولانا روم، قرار از من گرفته است.

کتاب «شمس پیروز» نام دارد. نویسنده آن، خانم ماری شیمل اصلاً آلمانی است. با کارهای قبلی اش آشنایی مختصری دارم اما این کتاب، دست کم در این حال و هوایی که من هستم، لطف و جاذبه دیگری یافته است.

در مقدمه، داستان شیفتگی خود را به نوای نی مولانا بیان کرده و ازان پس، در چهار فصل عمده کتاب به ترتیب از گسترش قلمرو اسلام به آسیای صغیر، خیال‌های شاعرانه مولانا، حکمت الهی، انسان و پایگاه والای او در آثار مولانا و بالاخره تأثیر مولانا جلال الدین برشق و غرب و نفوذ اندیشه و شعر مولوی در بیرون از مرزهای ایران و اسلام، سخن رفته است. شیفتگی نویسنده به موضوع تحقیق و قلمرو کار او، هم از مقدمه شاعرانه و شوارفرین او بیداشت و هم از محنتیات شوق انگیز همه فصول، به ویژه در فصل پنجم خیال که با حوصله و دقت تمام مسائل گوناگون مورد کاوش قرار گرفته و با اشتیاق خاصی از حوزه عاطفی سخن مولانا

علی الخصوص غزلات شورانگیز شمس سخن به میان آمده است. امروز ساعت یازده و نیم نخستین کلاس درس رشته فارسی این دانشگاه در دفتر کارآقای ابوری تشکیل می‌شود. من هم با به

دعوت قلی شرکت کرده‌ام. قرار است گلستان سعدی بخوانند. پنج نفر دانشجو در این کلاس حضور یافته‌اند با چهارتا آقا و یک خانم که انگلیسی نماید. از آقایان یکی هندو می‌نماید و بعد معلوم شد که هست. قامتی کشیده، چهره‌ای سبز و گندمگون، شال

سیاهی، همچون عصامه یک سید نجیب و جلیل القدر، چنان چسب دور سر پیچیده که موهای سراو را به کلی و گوش‌های تیز و خوش ترکیب را تابانه پوشانده است.

قسم قدرامی عصامه در امتداد پیشانی اش به گونه‌ای قلمبه و برکشیده بسته شده که امتداد صورتش راه درست در نقطه مقابل محسن راغ و فرو کشیده‌اش، قدری دراز آهنگ و خوش تراش کرده است. چنان که پیداست لزوم پوشش موی مرد در مذهب

هندوها از پوشش موی زن در اسلام جذی تراست.

(جزیره بی‌آفتاب، دکتر محمد جعفری‌احقی)

تلاش

ردیف		سنجه های ارزیابی	گزارش عملکرد	انشایں (توصیلی)	عددی	کارگاه نوشتیر
۱	۱	طرح ریزی گزارش با بهره‌گیری از پرسش‌های عیش	از پرسش‌های عینی به طور کامل استفاده نشده است.	از پرسش‌های عینی به طور کامل استفاده نشده است.	۲	۱- نوشه های کنید گدام مذ من یک با کفش های به روز بیا شاید بند که کفش های اوون ها را بیو نمی دونم ح من بچه با همین طور کشان رام نوشه دهم من دوم اگر تمامی اغلب این قدیمی یا گروهی از زرتشت د سه هزار کهن ترین بعضی ها امروز هم با همسر پادشاه بخش که شاد البتہ تا مروزی «مهتره ابورح این م من شاید قدم
۲	۲	سازماندهی پرسش ها از کل به جزء مناسب بودن ترتیب بیان رخدادها	دقیق است.	مناسب است.	۲	
۳	۳	رعایت انسجام در نوشه برهیز از تکارش جمله های طولانی استفاده از واژه های مناسب فضای متن	نوشه منسجم و بیکارچه است.	به تمرين بیشتر نیاز دارد.	۲	
۴	۴	شیوه خواندن	شیوا و روان است.	ایراد نگارشی دارد.	۱	
۵	۵	راعایت املا و نکات نگارشی			۲	
۶	۶	جمع بندی			۱۷	۷۱
۷	۷				۲۰	
۸	۸					

۳- به پرسش‌ها و گزارش مکتوب دوستانان با دقت گوش دهید؛ سپس آن را برایه سنجه‌های زیر، ارزیابی کنید.

با نوچه به ارزیابی بالا، بدادشت نهاین خود را از نوشه دوستانان، در چند سطر بنویسید.

پاسخ پیشنهادی، داش آموزان سعی کرده‌اند تا پرسش‌های عینی مطرح کرده و پاسخ‌های عینی به آنها بدهند. انسجام متن‌ها به تمرين بیشتری نیاز دارد. خواندن و نگارش املا، بخش‌هایی مورد توجهی هستند که نیاز به تمرين بیشتر دارند.

دکایت‌نگاری

حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.

یک را از حکما شنیدم که من گفت: هرگز کسی به جهل خویش اقرار نکرده است؛ مگر آن کس که چون دیگری در سخن باشد، همچنان ناتمام گفته، سخن آغاز کند.

سخن را سر راست ای خردمند و بن خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش بازنویسی

میاور سخن را در میان سخن نگوید سخن تا نیست خموش باب چهارم: در فواید خاموشی، گلستان سعدی

از یکی از حکیمان شنیدم که گفت: تنها یک شخص به نادانی خویش اعتراف می‌کند و آن کسی است که هنگام سخن گفتن شخص دیگری، در حالی که هنوز سخن او تمام نشده شروع به سخن گفتن می‌کند و این نشانه نادانی چنین شخصی است. ای انسان دانا سخن سرو ته و ابتدا و پایان دارد. پس در میان سخنان دیگران صحبت ممکن که انسان عاقل و هوشمند تنها هنگامی صحبت می‌کند که سکوت باشد و کسی صحبت نکند.

تلash در مسیر معرفة

اکل نوشه‌های ذهنی (۱): جانشین‌سازی

کارگاه نوشن

۷۷

۷۷

۱- نوشه‌های زیر را بخوانید و مشخص کنید کدام یک از آنها نوشه ذهنی و کدام یک نوشه عینی است؟ سپس معین کنید کدام متن با روش «جانشین‌سازی» نوشته شده است؟

متن یک
باکش‌های بابا خوب راه می‌رم، حیف، تندند زمین می‌خورم. بابا چه طوری زمین نمی‌خوره. شاید هم می‌خوره. آخر به روز لباسش خاکی بود.
شاید بند کفشاوی بابا رو بیندم اندازم بشن، بعد برم توی کوچه، اون وقت همه بینند که من مرد شدم. قد بایام شدم.
کفش‌های مامان خوب نیستند. زود آدم را چیه می‌کنند. شاید می‌فهمن که من یه مرد هستم. می‌فهمن که یه زن باید اون‌ها را پوشه. من نمی‌پوشم. من که نمی‌خواه زن بشم، نمی‌خواه مامان بشم.
نمی‌دونم چرا بابا دعوا می‌کنه. می‌گه پا تو کفشه بزرگ ترها نکن. مگه چه عینی دارد؟ بابا می‌ترسه من مرد بشم. می‌خواه من بچه باشم که سرم داد بکشه. بهم بگه جواب من رو بدیه. بیا پای من رو بمال. همش براش کار کنم. تمام باباها همین طوری هستند. دوست ندارند ما بچه‌ها مرد بشیم. کفشاویون را قایم می‌کنند. کلاهشوون رواز سرشوون برنمی‌دارند.
کنشان را می‌زنند به چوب لباسی، عینکشاویون رواز قایم می‌کنند.

نوشه ذهنی از طریق جانشین‌سازی

متن دوم

اگر تمامی کتاب‌های تاریخ را ورق بزنیم تا بینیم اولین شعر فارسی را چه کس سروده است، شاید به جواب نرسیم؛ چون اغلب این کتاب‌ها به زمانی برمن‌گردند که نشانه‌های مکتوبی بیدا شده باشد. مثلاً کتبیه سنگی برسر گوری یا کتاب قدیمی یا چیزهایی از این قبیل.

گروه از تاریخ نویسان هم معتقدند، زرتشت پیامبر ایرانی، اولین شاعر بوده است. اگرچه اطلاعات دقیقی از تاریخ تولد زرتشت در دست نیست: اما برخی تاریخ نویسان می‌گویند او هزار سال پیش از تولد مسیح به دنیا آمده است؛ یعنی حدود سه هزار سال پیش. «گات»‌ها بخشی از کتاب زرتشت به نام «اوستا» است که آن را اولین شعرهای مکتوب ایران و کنین ترین نوشته‌ها می‌دانند.

بعض‌ها هم این بیت را اولین شعر فارسی می‌دانند. «منم آن شیر شلنبه / منم آن بیرله» که وزن دارد و به شعر فارسی امروز هم شبیه است. عده‌ای هم اعتقاد دارند، بهرام گور، پادشاه ساسانی، اولین شعر فارسی را در گفت‌وگویی عاشقانه با همسرش دلارام، سروده است. اما هیچ سندی برای تأیید این سخن وجود ندارد. برخی از موزخان در میان کتبیه‌های پادشاهان هخامنشی نیز، نشانه‌هایی از شعر یافته‌اند که البته به زبان فارسی باستان نگاشته شده‌اند. مثل نوشته زیر که بخش از یک کتبیه است. «خدای بزرگ است اهورا مزدا / که آن بوم را داد / که مردم را داد / که آن آسمان را داد / که شادی را داد مردم را».

البته تاریخ نویسان، اعتقاد دارند اولین شعرهای فارسی ثبت شده به دوره بعد از اسلام برمن‌گردید و اولین شعر را عباس مروزی سروده است. نام حنظله بادغیس هم در میان اولین شاعران فارسی است: کس که این شعر را سروده است: «مهتری گربه کام شیردر است / شو خطرکن ز کام شیر بجوي ...». ایوحضن سقدی سمرقندی، فیروز مشرقی و ... هم جزو اولین شاعران فارسی‌گوی هستند و قطعه‌هایی از آنها وجود دارد. سرگذشت شعر در ایران

این متن عینی است.

متن سه

شاید در کفش شما هم روزی سنگریزه رفته باشد. پا را به یک طرف می‌فرشید و سنگریزه را در گوشه‌ای جا می‌دهید؛ چند قدم راحت می‌روید و به خیالات خود می‌پردازید؛ اما آن مهمان ناخوانده، از این‌که به فکر او نیستید، می‌رندجد و به جنب و جوش می‌افتد که نقطه حساسی پیدا کند و از آنجا نیش را فروترمی‌برد. ناجا، می‌استند و گردید. یا منزل فاختی برایش فراهم می‌کنید و باهم قرار می‌گذارید که از آن پس، مراحم یکدیگر نباشند. ناجا، می‌استند و گردید. یا منزل فاختی برایش فراهم می‌کنید و باهم قرار می‌گذارید که از آن پس، مراحم یکدیگر نباشند.

۱) با توجه به ارزشیابی بالا، به
پاسخ پیشنهادی: دانش‌آموزان
رعایت نکات نگارشی و املایی ا
مثل نویسی
مثل های زیر را بخواهید، پس از
هر که در پی کلاغ رود، در
دل که پاک است، زیان بو
خلفته را خلخته، کی گند بید
زیان سرخ، سرسیز می‌دهد
درخت هرچه بارش بیشتر

با آفرینی مثل
هر که در پی کلاغ رود، در خ
روزی بود و روزگاری بود. پس
گفته دیگران رفتار می‌کرد. رو
متوجه کلاغی شد که روسی شا
راه افتاد چون قصد داشت از
آمدکه به کلی از رستا و خان
از آن روز هر کسی که از زیر کار

۶

کارکاه نوشتی

۱- نوشته‌های زیر را بخوان
من بن یک
جنگ واژه‌ای سه حرفی است
است و بالاتراز سیاهی رنگ
زیر علم جنگ، دشمنان
سعده هم بر همین باور
پای در زنجیر، پیش دور
جنگ با خودش چه می‌
از جنگ و اضطراب است
اگر بخواهیم برای جنگ،
گرگ و بته هم من توانند
صدای روزه گرگ زیباتر
چوپانی نی می‌نوازد. گ
گرگ سرم رسید و گله
اگر چه در تعاصی جنگ
ناخوانده به سراغ انسا
می‌برد. فرشته‌ها صلح
سختی و رنج جنبه‌های
نویسنده دو مفهوم جن

هزوز دور نرفته، کار آزار به جایی می‌کشند که به جان می‌آید و آن ناپاکار را در میان شست با و انگشت دیگر بند می‌کنند و دانم مواظبید که نگیرند.

بالغ راه به جنگ با سستگرمه می‌گذرد؛ او من گزد و شما من فشارید. افتخار غم انگیز و آشفته ناشما به خانه برسید، جانان محروم گرده‌اند. وقتی رسیدید، اول با عجله و به حمله‌وت، گفتش رادر من آورید و ریگ را از بالای سر به زمین می‌اندازید و با نوک پا به میان حیاط روانه‌اش می‌کنید.

آیا بهتر نبود از همان اول که ریگ به گفشنان رفت، من ایستادید و بپرتوش من آوردید و این همه محنت نمی‌بردید؟

۲- موضوع انتخابی: گفید و با به کارگیری روش جانشین‌سازی، یک من نهضتی بنویسید.

موضوع: مترسک مزرعه

من نوشتی:

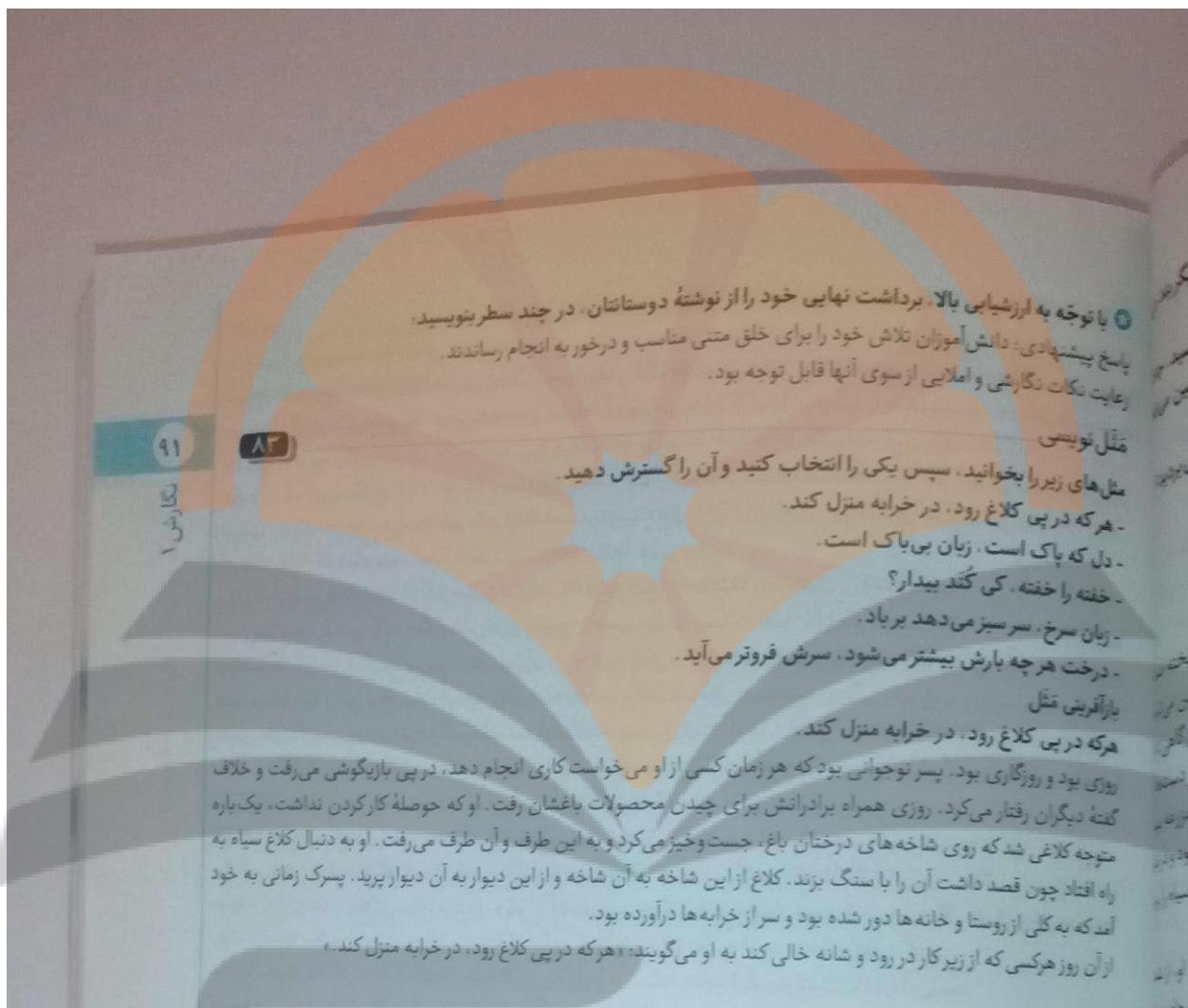
سرچای طود ایستاده‌ام و افق را تماشا می‌کنم. بزرگ و روی لباس هایی زیر احتساب گرم و سوزان این دشت ناقیذه، گوییخته است بر ناکجا. چشم‌های میهوش دکمه‌ایم شل شده‌اند. بودگ از همسار ابرو نام پریده است، با این حال هنوز هم بربنده‌ها از من می‌ترسلند نمی‌دانم شاند در خجال طود مرا همچون هیولاکی می‌بینند و زدن که نزدیک من نمی‌ایند. گجشک‌های بازیگوش گاهی تایک قدیمی من می‌ایند اما به راهه هراسی در دلشان می‌افتد که یه یک ماره هزار می‌کشند. با چشم‌های تکمه‌ای خود تا دور دست‌های را تعقیب می‌کنم. من جانشین آدم در مزرعه هستم؛ یک آدمک، یک مترسک، یک ناقی، آنها بیستند یا خواستان به مزرعه نیستند پرندۀ‌ها به محصولات مزرعه ایسب برسانند. وقتی به اینجا آمدم این مرزه بیرون زندگان کوچک و بزرگ و رنگارنگ بود و در میان این گیاهان سرسیز بالا و پایین می‌رفتند. مثل تو هم یک خیال زنگی و پریش و نگار و زنگارنگ. اما وقتی ان شنل سیاه را برم شانه هایم انداختند، دیگر کمتر بربنده‌ای سراغ فراموش شده مرا می‌گیرند.

حتی یادم هست پرندۀ خسرو و کوچکی روی موهای نخنی من تخم گذاشت. حس غرسی بود. نیتی محبت و لطف او، ازشدت هیجان کنار او بودن. به همراه وزش نسمی ملایی که گونه‌های پارچه‌ای ام را بوقتی می‌داند به خود نکانی دادم و تخم‌های بربند کوچک دل انگیز از سرم شر خورده و به زمین افتاد. چه حادثه اندوه‌باری، از آن روز، لحظه حسرت بار رفتن پرندۀ کوچک که عاجزه به پشت سر می‌نگریست نشای همراه همیشگی من است و تا ابد تعیابم.

۳- به نوشته دوستانان، که خوانده می‌شود، با دقت گوش دهید و آن را بر پایه سیمجه‌های زیر ارزشیابی کنید.

ردیف	سنجه‌های ارزیابی	حلق نوشته با استفاده از روش جانشین‌سازی	انتقال دقیق حالات و ویژگی‌های شیء	مناسب بودن ترتیب بیان	رخدادها	رعایت انسجام در نوشته ذهنی	پرهیز از نگارش جمله‌های طولانی	استفاده از واژه‌های مناسب	فضای متن	شیوه خواندن	رعایت املا و نکات نگارشی	جمع بندی
۱	شمارک	خوب است.	مناسب است.	مناسب است.	مناسب است.	به تمرين بیشتر نیاز دارد.	به تمرين بیشتر نیاز دارد.	مناسب است.	مناسب است.	مناسب است.	مناسب است.	
۲	اعتنای (نوصیفی)	خوب	خوب	مناسب است.	مناسب است.	مناسب است.	مناسب است.	مناسب است.	مناسب است.	مناسب است.	مناسب است.	
۳	عددی	۲	۳	۲	۳	۱	۲	۳	۲	۳	۱	
۴	گزارش عملکرد											

تلش
پرسشی



۱ نوشتة ذهنی (۲): سنجش و مقایسه

۱ کارگاه نوشتمن

۱- نوشتة های زیر را بخوانید و مشخص کنید برای نوشتمن آنها نویسنده چه چیزهایی را با هم مقایسه کرده است؟

من یک جنگ واژه ای سه حرفی است. صلح هم سه حرف دارد: اقاوازه جنگ خشک و خشن است. صلح نرم و از رنگ جنگ سیاه است و بالاتر از سیاهی رنگی نیست. صلح سبید جامه است. مثل کوه های بلند در زمستان که به ری سبز را نوید من دهنده. زیرعلم جنگ، دشمنان خیمه زده اند و زیر برق صلح، دوستان. عبید من دامن کس. دشمن را برد و سوتی ترجیح دهد. سعدی هم پرهیمن باور است که می گوید:

پای در زنجیر، پیش دوستان بی که با بیگانگان در بوستان.

جنگ با خودش چه من آورد: ناشکیمی، نازارمی، زلزله. صلح: شکیابیم، آمش و سادگی. صدای آزیز آتش نشانی، نمودی از جنگ و اضطراب است. صدای رسای اذان، پیغامی برای صلح و دوستی با شان و خداست. آگر بخواهیم برای جنگ، هیبت جانوری را فرض کیم، فکر من کیم، دیو مناسب باشد. برای صلح هم سیمای رستم، برآزende است. گرگ و بزه هم من توانند نماینده خوبی برای جنگ و صلح باشند. ناز بودن بزه با جنگ و دندان گرگ چه نسبت دارد؟

صدای زوره گرگ زیباتر است تابع بع بزه. چوبانی نی من توازد. گوسفندان در دشت پراکنده من شوند و علف به دهان به نوای چوبان گوش من دهنده. اما ناگهان گرگ سرمن رسد و گله و حشت من کند. چوبان از جا می خیزد و موسیقی زیبای نی به هی هی، وای، وای بد من شود. اگر چه در تمامی جنگ ها انسان حاضر و ناظر است: اما ذات انسان با جنگ هم خو نیست. گاهی جنگ مانند مهمان ناخوانده به سراغ انسان می آید. مثل سیل و زلزله که یک دفعه، خانه آرامش آدم را فرو می ریزد و آن را مثل سیل با خودش می برد. فرشته ها صلح دوست هستند و سکوت را دوست دارند. البته جنگ اگر در راه آرام و اعتقاد باشد. هم مانند هر سخن و رنج جنبه های سازنده هم دارد: انسان را آبدیده من کند و روح اورا می پرورد و پالایش من کند.

۳- به نوشته د

ردیف

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

با توجه

پاسخ پیشنهادی

نگارشی و ادبیات

شعرگردانی

شعرزیر را

متن دو

دیدن به هنر نیست، به دانش هم نیست.

مرغ ها هم می بینند، موش ها هم می بینند. گوسفندها و گرگ ها هم می بینند. آدم ها گاهی مثل مرغ ها هم می بینند، گاهی مثل موش ها، برخی همچون گوسفندان و برخی مانند گرگ ها. پس دیدن به هنر نیست، به دانش هم نیست حتی به آدم بودن هم نیست. مرغ ها هستند را نقطه نقطه می بینند. هر نقطه ای یک دانه ارزن، یک دانه گندم. یک حشر مرده، یا هر چیز دیگری که با چینه دار، سازگار باشد. نقطه ها به هم نمی چسبند. لحظه ها هم. زندگی یک نقطه بین نیست. یا یک لحظه. هر لحظه ای یک نقطه است. درست مثل دانه ارزن، یا هر چیز دیگری که با چینه دان سازگار باشد آن یک نقطه که تمام شد. نقطه دیگر درست مانند نقطه قبلی است.

برای دیدن، مرغ ها استعداد آدم شدن ندارند. اما شاید آدم ها استعداد مرغ شدن را داشته باشند.

موس ها شاید هستند را به همان توانل های پر پیچ و خمن می شناسند که همه مثل هم هستند. یک سربه انبار خوارک ها و طعمه ها، آن سردیگر به حريم خانه. درازی راه با طول زمان یکی است. رفت و برگشت، یک زندگی کامل است. هر یار همان است که پیش از آن بوده است. وقتی همه رفت و برگشت ها مثل هم باشند، زندگی یک رفت و برگشت بیشتر نیست مous ها زندگی رامی بینند. برخی آدم ها استعداد اینگونه دیدن را دارند؛ اما شاید موش ها، استعداد آدم شدن را نداشته باشند یک روز که گوسفند جوانی را سرم ببرند، چندتا گوسفند دیگر هم آجها بود. دیدم که گوسفندها این واقعه را نمی بینند؛ اما علف ها را می دیدند. گاهی آدم ها چقدر شیشه گوسفندها می بینند.

گرگ ها، بیشتر سگ ها را می بینند تا آدم ها را. گوسفندها هم در نگاه آنها شاید سگ هایی ترسو هستند که باید خفه شوند. من نمی دانم که آدم چگونه باید بینند؛ اما این را می دانم که نمی توانم نگاهم را از تاریکی ها برگیرم. زندگی برایم نقطه های جدا از هم نیست. زندگی برای مرغ ها روشن و آشکار است. یک نقطه، خواه گندم یا هر چیز دیگر. زندگی برای موش ها روشن است، یک راه رفت و برگشت. زندگی برای گوسفندان هم روشن است، علف، علف، علف.

مرغ ها، موش ها، گرگ ها، سگ ها، همه اینگاری زندگی را می بینند. شاید از آن رو که تاریکی را نمی بینند.

گستره های روشنایی ام قایق کوچکی است در ظلمات بی کرانه.

دیدن به هنر نیست، به دانش هم نیست.

دیدن برای من، شاید، تقلا کردنی است در ظلمات به سمت روشنایی.

در این متن، تفاوت دید و نگاه و اندیشه ناشی از آن بررسی و انواع نگاه با یکدیگر مقایسه شده است و به صورت غیرمستقیم نگاه و بینش که از روی آگاهی نباشد نکوهش شده است.

۲- موضوع را انتخاب کنید و با استفاده از روش «سنجهش و مقایسه»، یک متن ذهنی بنویسید.

موضوع: مقایسه شعر و نثر

متن نوشته:

سخنی که عاری از زیبایی و زیست های لفظی باشد اصلاً شعر نیست، نثر است.

شعر همانند نقاشی بر روی واژه هاست. شکل دادن، زنگ عاطفه ریختن و احساس ملامت دادن است، حرفي و پیامی است زیور گرفته و پیچیدن واژه در حصار آرایه هاست. شعر چند بعدی بودن کلمه هاست. صدا و زنگ گرفتن حرف هاست، نقاشی آواه است. و نثر سخنی است که هیچ کدام از این عوالم پیراسته را همراه خود ندارد.

موضوع: گل و خار

متن نوشته:

گل و خار دار یار جدای ناپذیر در ذهن ما فارسی زبان هستند. گل نماد زیبایی و طراوت و سرسیزی است و هر چیزی را که بخواهیم زیبا جواه دهیم یا از زیبایی هایش بگوییم آن را به گل تشییه می کنیم. گل **مارا یاد** خیلی چیزها می اندازد. وقتی می خواهیم ارادت و محبت خود را به دیگران نشان دهیم، برای آنها گل می بریم و به عزیزترین کسانمان گل می دهیم. وقتی به عیادت بیماری می رویم، با خود گل به همراه می بریم. وقتی عاشق می شویم، برای معشوق خود گل می فرستیم. عرق گل ها را می گیریم و برای گل ها را خشک می کنیم و در موارد مختلفی به کار می گیریم.

دسته گل می سازیم و به روش های مختلف گل ها را برای تزیین، جلوه ای دیگر می بخشیم. در همه این موارد، خار هم همراه

گل است و همتنین و هم سخن همیشگی اوست. خار نماد آزار و رنج و سختی و حتی زشتی است. خار اگر چه در نظر کوچک و نازیبات است، به اغله گا که دارد، همراه آزاد، آبد، خار را می بینیم.

تلاش برای موفقیت

بازگردانی
شاید تا
هنگام ر
بنگر که
من تمام

۳. به نوشته دوستانتان که خوانده می شود، با دقیقت گوش دهید و آنها را بر بنیاد سنجه های زیر، ارزشیابی کنید.

ردیف	سنجه های ارزیابی	شمارک	انشایی (توصیفی)	گزارش عملکرد	عددی	۹۷
۱	پیوند زدن یک موضوع با موضوعات دیگر	۳	خوب است.		۲	
۲	بهره گیری مناسب از روش سنجش و مقایسه	۳	ضعیف است.		۱	
۳	مناسب بودن ترتیب بیان رخدادها	۲	توالی حوادث رعایت نشده است.		۱	
۴	رعایت انسجام در نوشته ذهنی	۲	خوب است.		۲	
۵	پرهیز از نگارش جمله های طولانی	۲	خوب است.		۲	
۶	استفاده از واژه های مناسب فضای متن	۳	دقیق است.		۲	
۷	شیوه خواندن	۲	شیوا و روان است.		۲	
۸	رعایت املا و نکات نگارشی	۳	ضعیف است.		۲	
جمع بندی						

با توجه به ارزشیابی بالا، برداشت نهایی خود را از نوشته دوستانتان، در چند سطر بنویسید.
پاسخ پیشنهادی: دانش آموzan موضوعات مختلفی را با هم مقایسه کرده و مزایا و معایب آنها را بر شمرده اند. اما همچنان ایندادهای نگارشی و املایی کم و بیش وجود دارد.

شعرگردانی

شعر زیر را بخوانید، درک و دریافت خود را بنویسید.

مکر دیده باشی که در باغ و ران
کلی کلش ای کل شب فرز
بین کاشی کلک خازاد
که من روز و شب هر چه سحرانیم

بتهده شب کلکی چون چران
چ بودت که بیرون نیلی به روز
چواب از سر روشنایی چه داد
ول مش خوشید پیدا ننم

بوستان، باب سوم

باگردانی و بازپروری:
شاید تا به حال در میان باغ کرم شب تابی را دیده باشی که همچون چران در شب می درخشید. یک نفر از کرم شب تاب پرسید که چرا هنگام روز بیرون نمی آیی و نمی تابی.
بنگر که کرم شب تاب از روی بینش و آگاهی چه جوابی به او داد:
من تمام طول شب را در صحرا به سر می برم ولی در برابر تابش خورشید درخشان دیده نمی شوم و به چشم نمی آیم.

تلاشی در مسیر موفقیت

نوشته ذهنی (۳): ناسازی معنایی یا تضاد مفاهیم

کارگاه نوشتن

۱۰۵

۱- نوشته زیر را بخوانید و به روابط بین مفاهیم آن فکر کنید و نموداری برای آن رسم کنید.
«شب، همه‌ها دامن گستردۀ بود. سکونی ابهام‌آمیز برداشت حکم فرما بود. پرسق نیلگون آسمان ستارگانی چند دور از چشم ماه جلوه‌گر بودند.

گاه‌گاه شیوه چند اسب بی‌شکیب، سکوت داشت را در هم منشیست و سوسوی چند مشعل، پردهٔ سیاه شب را می‌دریزد و پیش می‌رفت. این مشعل‌ها و اسب‌ها از آن کاروانیانی بود که از جنب و جوششان من شد فهمید که نازه در این صوراً پیاده شده‌اند. در برایر بعضی از خیمه‌ها مردانی کنار هم نشسته، با یکدیگر گرم گفت و گو بودند. من گفتند و من شنیدند من خنده‌یدند و شادی می‌کردند. مثل اینکه رشته‌ای ناگستین قلب‌های همه را به هم پیوند می‌داد. در درون دیدگانشان صفا و درستی، محبت و برادری و عشق و دوستی موج می‌زد. گویی آنها در این دنیا زندگی نمی‌کردند؛ برای اینکه از گنه، حسد و غرور و خودخواهی نشان نداشتند.

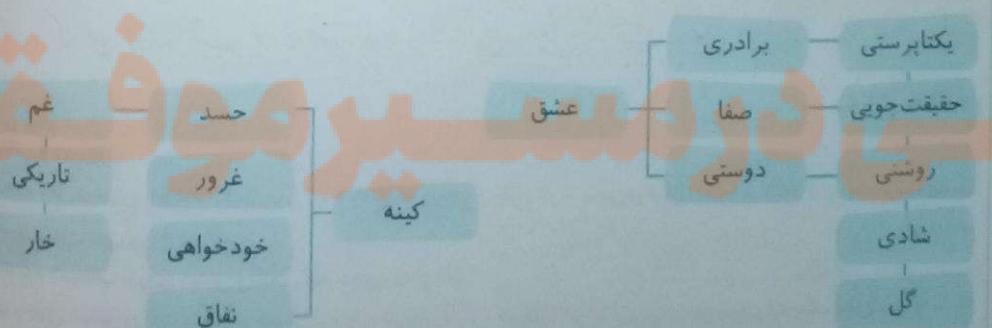
پیرمردان محترمانه گوش به حرف جوانان من دادند و جوانان صمیمانه به پیران عشق می‌ورزیدند. گویی در میان این کاروان کوچک و کاروانیان بزرگ، گرد محبت و عشق پایشیده بودند؛ عشقی که زندگی می‌ساخت و شادی و نشاط می‌آفرید و با حیله و دروغ و حسد و خودخواهی، سرخختانه مبارزه می‌کرد...

پیرمردان به باد روزهایی افتاده بودند که پیامبر (ص) روی شن‌های داغ من نشست و آنان هم به دورش جمع می‌شدند و همین آیات و کلمات را از زبان او می‌شنیدند. جوانان با نگاهشان دل سیاهی را می‌کاویدند تا اعماق تاریکی‌ها، خاطران روشن و جانداری که از پدرانشان داشتند به باد بیاورند. داستان‌هایی که پدرانشان از پیامبر گفته بودند، از مردی که بیست و سه سال رنج برد، و کوشید تا نفاق و دورویی، گنه و خودبرستی و جنایت و آدمکشی را از میان بردارد و به جای همه اینها نهال یکتاپرستی و حقیقت جویی و صفا و وفا بنشاند.

همین بادآوری‌ها بود که وضع را دگرگون کرد. دیگر در چهره‌ها آثار نشاط و شادی دیده نمی‌شد، مثل اینکه دسنی بی‌رحمانه، همه گل‌های شادی را از مزرعه لب‌ها چیده و به جای آن، خار غم نشانده بود. نگاه‌ها دیگر از سینه سیاه داشت، گنده شده، به خیمه‌ای که در وسط خیمه‌های دیگر سربرافراشته، خیره شده بود.

آیا نیرویی هست که به راه افتاد؟ آنجا که خورشید بی‌دریغ به همه جا نور می‌پاشد. آنجا که حق حکومت می‌کند... و آنجا که انسان‌ها آزاد زندگی می‌کنند و راهی بس دشوار در پیش است. کویرهای خشک، دامن گستردۀ‌اند؛ گرگان گرسنه، دهان باز کرده‌اند و سنتلاخ‌ها به انتظار نشسته‌اند تا پاهای برهنه بیشوان را در هم شکافند و از راهشان باردارند. اما در برایر عشقی بزرگ و مقدس، تاب مقاومت ندارند... اگر آرزوی چنان دیواری در دل خانه کرده، باید از این راه پر خطر گذشت و نمی‌توان گذشت مگر اینکه عشق خدا به دل و ...».

استخراج مفاهیم و رسم نمودار:



۲- موضوع را انتخاب کنید و با استفاده از روش ناسازی معنایی (تضاد مفاهیم)، یک متن ذهنی بنویسید.

موضوع: خلقت انسان

وقتی خداوند موجودات را خلق می‌کرد، از ماده‌هایی که دارند ناشایستگی را ندارند، که از آنها آنچه است

تلash در سیره فقیت

همه فرشتگان اینگشت تعجب بر دندان حیرت می‌گردند. خداوند عذر آنها را پذیرفت: چرا که سروکار آنها با عشق نمود.
خداوند نقش‌های زنگاریگ گوشاگوئی در وجود انسان قرارداد و گفت نقش اول این است که همه باید او را سجده کند؛ زیرا کوهر
محبت در وجود صدفوار انسان به امانت سپرده شده است.
الیس حیله‌گر را جوی در وجود انسان راه تدازند و دست ره به سینه او زند. از جشم همه جهانیان افتاد. او دل انسان را همان‌
قدر باشاند دید که راهی به درون آن برای خود نیافت و جوی نتوانست به وجود دل انسان راه بپیدا کند، نامید آردرول انسان
باگت و برای انسان سجده نکرد.
۳. به نوشته دوستانان، که خوانده من شود. با دقت گوش دهید و آن را بر تباد سنجه‌های زیر ارزیابی کنید.

۱۱۰

ردیف	نتیجه‌های ارزیابی	گزارش عملکرد	شمارک	انشای (توصیف) عددی
۱	ایجاد شبکه‌ای از روابط بین مفاهیم			
۲	خلق نوشه با استفاده از روش ناسازی معنایی			
۳	استفاده صحیح از نشانه‌های ربط عطف و تقابلی			
۴	رعایت انسجام در نوشته ذهنی	خوب است	۲	مناسب است.
۵	پژوهی از زنگارش جمله‌های طولانی	خوب است	۲	مناسب است.
۶	استفاده از واژه‌های مناسب			
۷	فصای من	مناسب است	۲	مناسب است.
۸	شیوه خواندن	شواوران است	۲	مناسب است.
	رثابت املا و نکات زنگارش	درست است	۲	مناسب است.
	جمع بندی		۲۰	با این نکات

۵ با توجه به ارزیابی بالا پرداخت نهایی خود را از نوشته دوستانان در جد سطر پرسید:
باخ پیشنهادی داش آموز در نوشته‌های خود از واژه‌های مناسب پرهیز کرده است و نگارش جمله‌های طولانی اختیار کرده است.

۱۱۰

حکایت‌نگاری

حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویس کنید.
چون یونس، علیه السلام، از شکم ماهی نجات یافت، متغیر بود و کمتر سخن می‌گفت. یکی از موحسن سکوت و سیاست
خاموش پرسید:
گفت سخن، مراد حبس شکم ماهی انداحت نا وجودم در اتش و حشت شمع وار گذاخت
زنگارستان
با خاموش با سلامت به از گفتن با ملامت.

بازنویسی
هگامی که حضرت یونس (ع) از شکم ماهی نجات پیدا کرد، از آن پس، کمتر صحبت می‌کرد و بیشتر وقت خود را به تلقی
من گذرانید. شخصی علت سکوت اینش را پرسید.
فرمود: زبان و سخن گفتن ای جا موجب گرفتاری من در شکم ماهی شد و وجود همچون شمع من از تو سوخت و گذاشت
الرسالم باشی و ساكت، بسیار پهراست از اینکه از روی سریش و ملامت سخن بگویی.

تلash در مسیر موفقیت

نوشته‌های داستان‌گونه

۱۱۷

کارگاه نوشتمن

۱۱۷

۱- نوشه‌های زیر را بخوانید و عناصر آن را مشخص کنید.

در پیکی از افسانه‌ها آمده است که مردی هر روز دو کوزه بزرگ آب به دو انتهای چوبی می‌بست... چوب را روی شانه‌اش من‌گذاشت و برای خانه‌اش آب می‌برد.

پیکی از کوزه‌ها کهنه تربود و ترک‌های کوچکی داشت. هر بار که مرد، مسیر خانه‌اش را می‌پیمود، نصف آب کوزه می‌ریخت. مرد، دو سال تمام همین کار را می‌کرد. کوزه سالم و نو، مغفور بود که وظیفه‌ای را که برای آن خلق شده، به طور کامل انجام می‌داد. اما کوزه کهنه و ترک خوده شرمنده بود که فقط می‌تواند نصف وظیفه‌اش را انجام دهد.

هر چند می‌دانست آن ترک‌ها حاصل سال‌ها کار است. کوزه پیر آنقدر شرمنده بود که یک روز وقتی مرد آماده می‌شد تا از چاه آب بکشد، تصمیم گرفت با او حرف بزند: «از تو معذرت می‌خواهم. تمام مدتی که از من استفاده کرده‌ای، فقط از نصف حجم من سود بردۀ‌ای... فقط نصف تشنبگی کسانی را که در خانه‌ات منتظرند، فرو نشانده‌ای».

مرد خندید و گفت: «وقتی برمی‌گردیم، بادقت به مسیر نگاه کن». موقع برگشت، کوزه متوجه شد که در یک سمت جاده... سمت خودش... گل‌ها و گیاهان زیبایی روییده‌اند.

مرد گفت: «می‌بینی که طبیعت در سمت تو چقدر زیباتر است؟ من همیشه می‌دانستم که تو ترک داری و تصمیم گرفتم از این موضوع استفاده کنم.

این طرف جاده بذر و سبزیجات و گل پخشش کردم و توهمند همیشه و هر روز به آنها آب می‌دادی. به خانه‌ام گل بردۀ‌ام و به بجهه‌هایم کلم و کاهو داده‌ام. اگر تو ترک نداشتی، چطور می‌توانستی این کار را بکنی؟

بررسی متن

مرد-کوزه سالم، نو و مغفور-کوزه کهنه و ترک‌دار

شخصیت

کوزه ترک‌دار موجب وشدگی‌هایان می‌شود.

ماجرای داستان

قضای حال و هوا، مکان و زمان)

هزاروز-مسیرخانه

روایت

(الف) شیوه بیان

(ب) زاویه دید

بیان: عاطفی

زاویه دید: دانای کل - (سوم شخص مفرد)

۲- نوشه‌ای داستان‌گونه بنویسید؛ پیش از نوشتمن، عناصر آن را مشخص کنید.

شخصیت: مادر بزرگ- پزشک معالج- چشم‌های مادر بزرگ

ماجرای داستان: معالجه چشم‌های مادر بزرگ

قضای: یک روز بهاری

روایت: زاویه دید سوم شخص مفرد (دانای کل)

مادر بزرگ که دیگر سویی در چشم‌هایش نمانده بود، صبح یک روز بهاری عزم خود را جسم کرد و با هر زحمتی که بود در مطب چشم‌پزشکی حاضر شد. حدود نیم ساعت در مطب به انتظار فرا رسیدن نوبت معاینه نشسته بود و تمام این مدت به این فکر می‌کرد که هزینه درمان چشم‌هایش را چگونه و از کجا فراهم کند. حقوق بازنشستگی همسر خدای امراض معاشر روزانه می‌شد و پس اندازی نداشت. با همین خیال‌ها در گیر بود که نوبت من فرا رسید. مادر بزرگ وقتی از چشم‌پزشکی بیرون آمد، بسیار شاد و مسرور بود و با چشم‌هایش صحبت می‌کرد که: ای چشم‌های مهریان من، خدا را شکر که آب سیاه یا مرض دیگری ندارید. اگر پیش از این دچار چنین مرضی می‌شدید حتماً مرا خوشبخت و ثروتمند می‌ساختید. خب عیبی ندارد؛ حالا هم به موقع بفریادم رسیده‌اید.

چند روز پیش مادر بزرگ چشم‌هایش را اعمال کرد و حالا رو به بهبود است.

اما بشنوید از وقتی که پزشک هزینه معالجه حشمت: مادر بزرگ - ۱ - ۱ - ۱ -

مادر بزرگ چند اسکناس به او داد و گفت: خدا عمرت دهد! بقیه اش هم آن مرواریدهایی که از چشم هایم در آوردی!
علوم شد که ناراحتی چشمان مادر بزرگ «آب مروارید» بوده است.
۳- به نوشته دوستانان، که خوانده می شود، با دقت گوش دهید و آنها را برینیاد سنجه های زیر ارزشیابی کنید.

ردیف	سنجه های ارزیابی	شمارک	گزارش عملکرد	انسانی (توصیفی) عددی
۱	شخصیت پردازی	۳	مناسب است.	۲
۲	ماجرای داستان	۳	مناسب است.	۲
۳	قصنا (حال و هوا، مکان و زمان)	۲	خوب است.	۲
۴	روایت، الف) شیوه بیان ب) زاویه دید	۳	خوب است.	۲
۵	استفاده صحیح از نشانه های انسجام متن	۲	خوب است.	۲
۶	پرهیز از نگارش جمله های طولانی	۲	خوب است.	۲
۷	شیوه خواندن	۲	خوب است.	۲
۸	رعایت املا و نکات نگارش	۳	خوب است.	۲
۹	جمع بندی	۲۰	خوب است.	۲۰

* با توجه به ارزشیابی بالا، برداشت نهایی خود را از نوشته دوستانان، در چند سطر بنویسید (می توانید کلی یا فردی عمل کنید):

پاسخ پیشنهادی: دانش آموزان اکنون نسبت به اوائل سال تحصیلی بهتر می نویسند و متن هایی زیبا خلق می کنند.
(دانش آموز عزیز؛ به دلیل اشتباه کتاب درسی در شماره گذاری، شماره ها به طور پیشنهادی تغییر یافت.)

مثال نویسی

مثل های زیر را بخوانید، پس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.

- با ماه نشینی، ماه شوی، با دیگ نشینی، سیاه شوی.

- تهی پای رفتن، به از کفش تنگ.

- جایی که نمک خوردی، نمکدان مشکن.

- فلفل نبین چه ریزه، بشکن بیین چه نیزه.

- شاهنامه آخرش خوش

بارآفرینی مثل

جایی که نمک خوردی، نمکدان مشکن:

شخصی در بیابانی می رفت. جوانی را دید که از شدت تشنجی بی تاب شده و بی جان زیر سایه بوته ای خزیده بود. آن شخص آب و غذاش را با آن جوان قسمت کرد. جوان پس از آنکه جانی تازه یافت، سوار شتر آن شخص شد و به راه خویش ادامه داد و با او

تلash سیر موفقیت

تلاش در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس 
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه 
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی 
- دانلود نمونه سوالات امتحانی 
- مشاوره کنکور 
- فیلم های انگیزشی 

 Www.ToranjBook.Net

 ToranjBook_Net

 [ToranjBook_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)